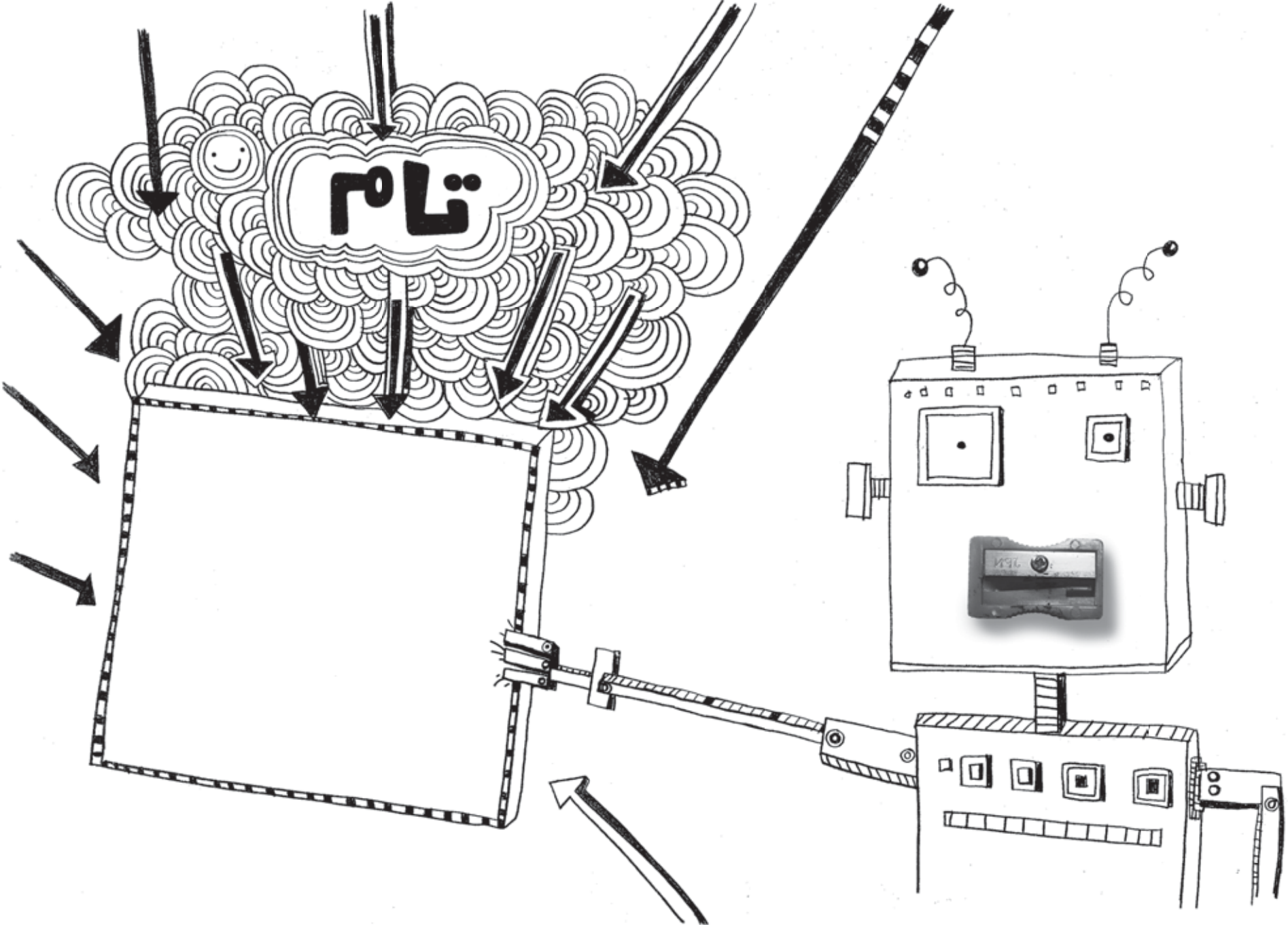


مامان مشغول کار است.





# آره!



(شاید...)



نوشته‌ی لیز پيشون



(که بیشتر وقت‌ها توی تصمیم گرفتن خیلی وارد است.)



# ها! ها!



اگر کله‌ی آقای فولرمون یک سیاره بود. (یک فکر خلاقانه!)



نرمه‌های برای  
آقای سورنا گاتس



TOM GATES #8:  
YES! NO. (MAY BE...)  
Text & Illustrations © Liz Pichon, 2015

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر  
اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را  
در سراسر دنیا با بستن قرارداد از نویسنده‌ی آن (Liz Pichon)  
خریداری کرده است.  
انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران  
و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای  
نشر است.

سرشماسه: بیستون، لیز  
Pichon, Liz  
عنوان و نام پدیدار: آر‌اِه (شاید...) نوشته‌ی لیز بیستون؛ مترجم  
به‌رنگ رجی؛ ویراستار: نسرين نوش آهيني.  
مشخصات ظاهري: تهران: هوپا، ۱۳۹۵.  
فروست: نام مجله‌ی: A.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳-۱۶۵۵-۱۷-۶.  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.  
یادداشت: عنوان اصلی: Yes/No Maybe. — قرن ۲۱م.  
موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) — قرن ۲۱م.  
شماره انورده: رجی؛ به‌رنگ: ۱۳۶ — مترجم  
ردیف‌نویسی: Children's stories, English — PZ57.  
ردیف‌نویسی: کیگوه: ۱۳۹۵ — ۱۳۹۴/۱۲/۲۱  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۵۲۶۱۲

نام گیتس /  
آر‌اِه نه (شاید...)

نویسنده و تصویرگر: لیز بیستون  
مترجم: به‌رنگ رجی  
ویراستار: نسرين نوش آهيني  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
تایپوگرافی: فاطمه محمدعلی‌پور  
طراح گرافیک: مریم عیدی

ناظر چاپ: مرضی فخری  
چاپ نهم: ۱۳۹۶  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان  
شابک دوره: ۹-۳-۱۶۵۵-۱۷-۶-۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳-۱۶۵۵-۱۷-۶

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم  
الف، پلاک ۲/۱، واحد دوم غربی  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵  
تلفن: ۸۸۹۸۶۳۰



www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

پایین تر

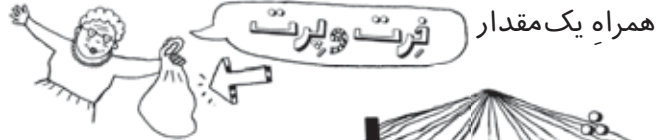


من معمولاً توی تصمیم گرفتن خیلی واردم،

**پانهوس** وقتی پای خوردنی وسط باشد.



**اما** امروز صبح تصمیم گیری یک کم سخت بود، بیشتر به خاطر اینکه  
مامان بزرگ ماویس دیروز سرزده آمد خانه مان،



همراه یک مقدار **منزل**

یک **پسته** ی کوچک پُراز

**پرستوک** جورواجور صبحانه که

**فودنی و کلوب** من است.

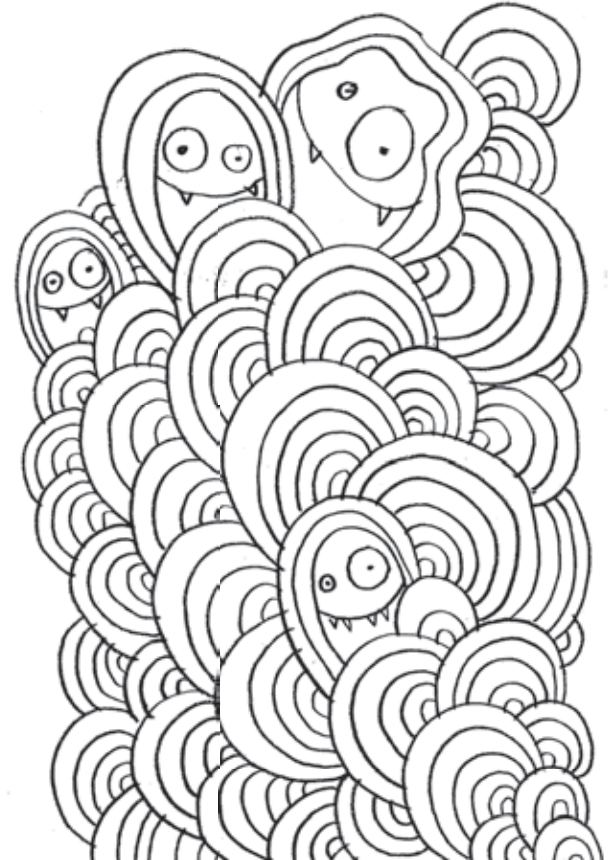
ممنون مامان بزرگ!



حشره تعادلش را حفظ می کند.



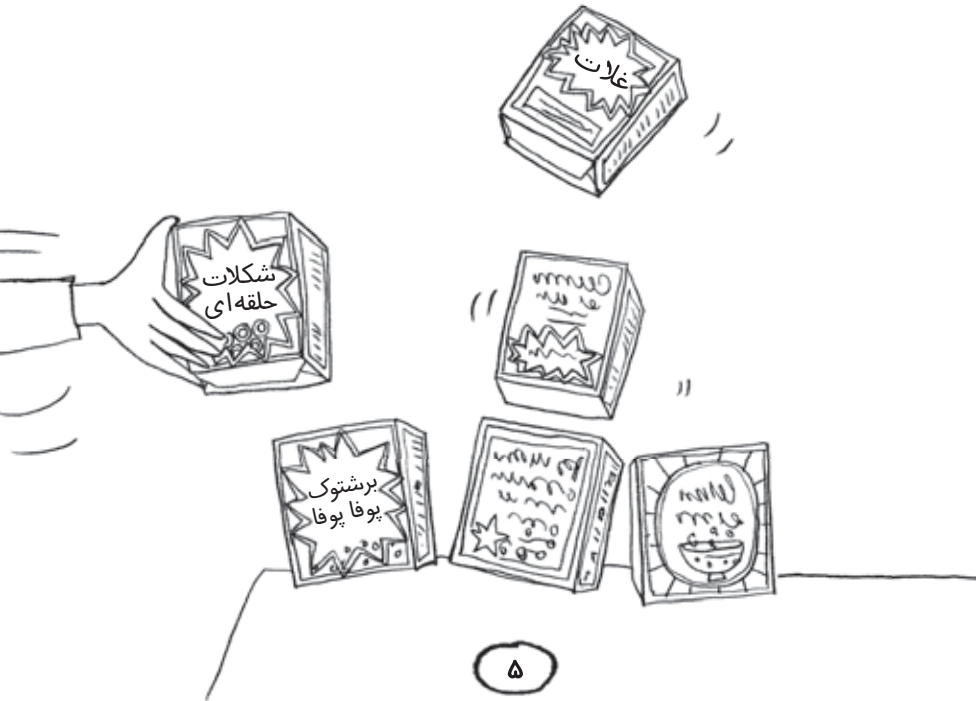
من که مشغولِ کارم.







«آگه اشکالی نداره من این رو می خورم.»



یکهو سر و کلاه

دلیا پیرامی شود و

برشتوکم را  
می قاپد!

هان؟!



داد می‌زنم: «مال مننه! پیشش بره!»

همان‌طور که بسته‌ی برشتوک را باز می‌کند،

می‌پرسد: «کی گفته؟»

«مامان بزرگ اون‌ها رو

برای من آورده. گفت اون‌ا مالِ من.»

«پنج تا بسته واسه تو مونده دیگه تام! من فقط همین

یکی رو می‌خورم.»

افسوس‌آلود گرفته‌ام، می‌گویم: «نمی‌تونی این کار رو بکنی.»

دلیا شروع می‌کند شیر ریختن روی برشتوک.

«اوهه، معلومه که می‌تونم، نگاه کن.»



بعد هم کاسه را آن‌قدر با دستم بهش نمی‌رسد.



«این صبحانه‌ی منه و تو هم هیچ‌کاری نمی‌تونی بکنی.»

فقط اینکه اشتباه می‌کند دیگر، یک کاری هست که من می‌توانم بکنم ...

به‌دوبه‌دو تمام آشپزخانه را دور می‌زنم

و هرجا هرچی قاشق می‌بینم، برمی‌دارم.  
قاشق‌های چوبی، قاشق‌های چای‌خوری

قاشق‌های نئوپرن  
قاشق!

همه‌شان را می‌چپانم توی یک کیسه‌ی پلاستیکی و کیسه را

مکرم می‌گیرم دستم.

دلیا دارد تماشا می‌کند. آهی می‌کشد که:

واقعاً داری همچین کاری می‌کنی؟

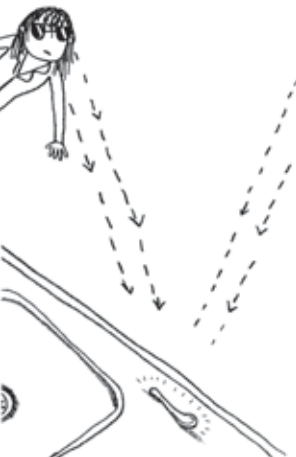
آفرین

قاشق کنار کاسه‌ی ظرفشویی است.

دلیا طرفش

ولی من با یک لیز در فایه‌ها کف زمین

و یک حرکت دست زودتر می‌رسم به قاشقه.

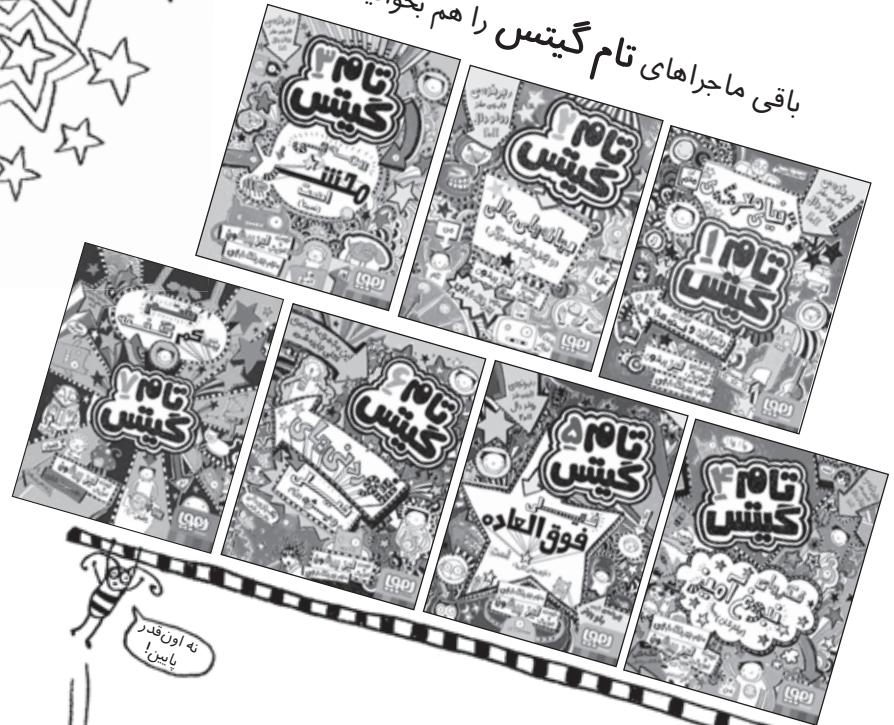




# تمام گیتس را دوست دارید؟



باقی ماجراهای تام گیتس را هم بخوانید:



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود. و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....